

بازنمایی سیمای فردی کارگزار اسلامی در وصیت‌نامه امام خمینی (ره)، «بر پایه عهدنامه مالک اشتر»

محمد مهدی حاجیلویی محب^{*۱}

چکیده

هدف: رهیافت به دیدگاه امام خمینی (ره) پیرامون شاخصه‌های فردی و اخلاقی کارگزار اسلامی، با تحلیل گفتمان اندیشه سیاسی ایشان مقدور و میسر است. وصیت‌نامه امام (ره)، آیین‌های تمام‌نما از افق‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی ایشان بوده که می‌تواند چارچوب قابل پذیرشی از مسأله پیش گفته را ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش: کاوش حاضر، ضمن بازنمایی و تحلیل شاخصه‌های اخلاق فردی کارگزار اسلامی در متن مزبور، به ریشه‌یابی آنها در عهدنامه مالک اشتر پرداخته؛ تا ضمن پاسخ به این پرسش که سیمای فردی کارگزار اسلامی، در وصیت‌نامه امام خمینی (ره)، چگونه ترسیم شده است؟ به بازنمایی آنها در عهدنامه مالک اشتر پرداخته و ریشه‌دار بودن این اندیشه‌ها را در آموزه‌های علوی به اثبات رساند.

یافته‌ها: یافته‌ها و نتایج به دست آمده، در ده بند قابل ارائه است: خداگرایی و خدامحوری، پایبندی به اسلام، تعهد، عقلانیت و دانایی، سلامت فکری، اخلاقی و رفتاری، اخلاص، تواضع، جدیت و پایداری، استقلال و آزادی، شایستگی.

نتیجه‌گیری: در نهایت، ضمن اثبات هماهنگی و پیوستگی هر دو متن، در زمینه سیمای فردی و اخلاقی کارگزار؛ ترسیم همه جانبه سیمای فردی کارگزار، اثبات هماهنگی فکری و محتوایی دو متن مورد مطالعه و ریشه‌مندی محتوای وصیت‌نامه در آموزه‌های علوی در این زمینه، از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، وصیت‌نامه، علی (ع)، عهدنامه مالک اشتر، سیمای کارگزار.

مقدمه

بررسی فرآیند تشکیل حکومت‌ها، نشان می‌دهد که برپایی آنها، با اهداف گوناگونی همراه بوده است. بسته به نوع هدف‌ها، مدیران و کارگزارانی با شاخصه‌های متفاوت به کار گرفته شده‌اند. برخی از حکومت‌ها یا دولت‌ها، به دلیل ساختار قومی یا گرایشی، نخواستند یا نتوانسته‌اند به سوی شایسته‌سالاری حرکت کرده و گزینش کارکنان را بر اساس ملاک‌هایی مشخص به انجام رسانند. در حالی که در اندیشه سیاسی و حکومتی اسلام، چارچوبی معین و اهدافی مشخص برای تشکیل حکومت ارائه گردیده است. در این شکل از حاکمیت، همه اجزای حکومت در راستای همان اهداف و در دورن چارچوبی سامان یافته، به کار گرفته می‌شوند. بدین روی، حکومت اسلامی تبلوری از حاکمیت شایستگان است که بر اساس شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری مشخصی، در رده‌های کارگزاری حضور دارند.

بیان مسئله

برپایی انقلاب اسلامی ایران، با اهداف ویژه‌ای صورت پذیرفته که دست‌یابی به عدالت همه‌جانبه (حاجیلوئی محب، ۱۳۹۶: ۸۳)، گسترش اخلاق و دست‌یابی به فضایل اخلاقی (حاجیلوئی محب، ۱۳۹۷: ۵۷)، استقلال، رفاه و تأمین نیازهای مادی، بخشی از این اهداف بوده است. تحقق این اهداف، در گرو ایجاد شرایط و الزامات ویژه‌ای است که بکارگیری کارگزاران شایسته، یکی از آنهاست. کارگزارانی که بتوانند ضمن برخورداری از ویژگی‌های خاص، اهداف انقلاب اسلامی در سطح داخلی و بین‌المللی را تحقق بخشند. در میان بیانات و اسناد مکتوب حضرت امام خمینی(ره)، وصیت‌نامه ایشان، دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد، در زمینه‌های گوناگون است، از جمله: تبیین چارچوب، اهداف، سیمای کارگزاران، بایدها و نبایدهای انقلاب. بررسی ابتدایی نشان از آن دارد که در این متن، شاخصه‌های گوناگونی برای کارگزاران نظام اسلامی ارائه شده است. بخشی از این شاخصه‌ها، به جنبه‌های فردی و شخصیتی مربوط شده و بخش دیگری، به رابطه کارگزار و مردم و رابطه‌ی کارگزار و حکومت ارتباط می‌یابد.

پژوهش حاضر، ضمن مطالعه و کاوش در این متن، به دنبال دست‌یابی مستقیم به شاخصه‌های فردی کارگزار اسلامی است؛ ضمن آنکه با هدف عمق‌بخشی به مطالب یافت شده و اثبات ریشه‌دار بودن این شاخصه‌ها در متون اصیل اسلامی، سیمای فردی کارگزار اسلامی در عهدنامه مالک اشتر، باز یابی و همگن‌سازی می‌گردد، تا تصویر کاملی از شاخصه‌های فردی کارگزار اسلامی بر پایه عهدنامه مالک اشتر به دست آید. انتخاب عهدنامه مالک اشتر، بدین دلیل است که ضمن برخورداری از سندی قوی و مقبولیت در بین حدیث‌پژوهان، همانند وصیت‌نامه امام راحل، چارچوب و اهداف حکومت اسلامی را بر شمرده و شاخصه‌هایی شفاف، برای مدیر و کارگزاران ارائه می‌دهد. بدین روی، پژوهش پیش‌رو، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر سامان خواهد یافت:

۱. سیمای فردی کارگزار اسلامی، در وصیت‌نامه امام خمینی(ره) چگونه ترسیم شده است؟

۲. سیمای ترسیم شده برای کارگزار اسلامی در وصیت‌نامه امام خمینی(ره)، دارای چه ریشه‌ها و پایه‌هایی در عهدنامه مالک اشتر است؟

روشن است که شیوه بیان مطالب پیرامون اهداف، شیوه حکومت و سیمای کارگزاران به صورت صریح و ضمنی، در این دو متن متفاوت است. زیرا که وصیت‌نامه امام خمینی(ره) با هدف ارائه مجموعه‌ای از رهنمودهای اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نگاشته شده که بخشی از آن به مسائل حکومتی و سیمای وظایف مدیر و کارگزار حکومت اسلامی می‌پردازد و محور پیشین در لابلای وصیت‌نامه و در کنار دیگر مسائل مطرح شده است. در حالی که عهدنامه مالک اشتر بر شیوه اداره حکومت و ویژگی‌ها و سیمای کارگزار اسلامی، تمرکز بیشتری دارد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کتاب یا مقاله‌ای مستقل و جامع، پیرامون سیمای کارگزاران در وصیت‌نامه امام خمینی(ره) وجود نداشته، بلکه این ویژگی‌ها، در ضمن دیگر مباحث و هنگام تحلیل موضوعی یا ترتیبی همه وصیت‌نامه، در پژوهش‌ها آمده است. به‌عنوان نمونه: کتاب «رهیافت تحلیلی به وصیت‌نامه سیاسی- الهی امام خمینی(ره)»، محمد نصیری و همکاران که در فصل دهم به وظایف و رسالت کارگزاران انقلاب و نظام اسلامی پرداخته؛ کتاب «با جاری کوثر، شرح وصیت‌نامه سیاسی- الهی امام خمینی(ره)»، محمود لطیفی و کتاب‌هایی مانند آن، که در ضمن شرح ترتیبی وصیت‌نامه، به سیمای کارگزاران اشاره کرده‌اند. کتاب «درسنامه وصایای امام خمینی(ره)»، سید حسن سیدی و کتاب‌هایی با عنوان درسنامه که در ضمن سایر مباحث، به موضوع پژوهش حاضر اشاره دارند. مقالات: «اخلاق کارگزاران در نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام بر اساس اندیشه‌های امام خمینی(ره)»، مریم معینی و «اخلاق کارگزاران در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، نادر سها که ویژگی‌های اخلاقی کارگزار را در همه سخنان امام(ره) بررسی کرده‌اند.

در زمینه سیمای کارگزاران در عهدنامه مالک اشتر؛ کتاب یا مقاله‌ای که به صورت مستقل و جامع به این موضوع در محدوده مورد مطالعه بپردازد، یافت نشد. کتاب‌ها یا مقالات، به سیمای کارگزار در تمام اندیشه امام علی(ع) یا نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. کتاب‌ها: «تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه» و «دولت آفتاب»، مصطفی دلشاد تهرانی که در برخی فصل‌ها، به شرایط و ویژگی‌های زمامداری پرداخته و کتاب «سیمای کارگزاران علی‌بن ابیطالب امیرمؤمنان(ع)»، علی اکبر ذاکری که به تمام اندیشه امام علی(ع) نظر دارد. مقالات: «سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی(ع)»، محمد فلاح؛ «ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج‌البلاغه»، سیاوش پورطهماسبی و آذر تاجور؛ «تدوین الگوی رفتاری کارگزاران در حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی(ع)، بر اساس متن نهج‌البلاغه»، علی اصغر پور عزت و همکاران که به سیمای کارگزار از جنبه‌های گوناگون و در تمام نهج‌البلاغه یا همه سخنان امام علی(ع) پرداخته‌اند.

تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته، در این است که کاوش پیش‌رو، بر عهدنامه مالک اشتر و وصیت‌نامه امام (ره) تمرکز داشته، ضمن آنکه مطالعه و تحلیل هم‌پایه‌ای از سیمای فردی و اخلاقی کارگزار اسلامی در دو متن مزبور ارائه می‌دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

با ورود به دهه پنجم و گام دوم انقلاب، به تدریج، کارگرانی از نسل دوم و سوم وارد عرصه اجرایی و مدیریتی کشور می‌شوند. این نسل، در دوران مبارزه با طاغوت، شکل‌گیری انقلاب، روزهای سخت ابتدای پیروزی و جنگ تحمیلی حضور جدی نداشته‌اند و از فرهنگ گفتمانی حاکم بر فضای کارگزاری آن دوره، به دور بوده‌اند. در حالی که دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی و انجام تکالیف مرتبط، به‌ویژه در گام دوم انقلاب، کارگرانی با شاخصه‌هایی خاص و متناسب با همین اهداف و تکالیف می‌طلبد. بدین روی، بازنمایی سیمای کارگزار اسلامی، ضرورتی دو چندان می‌یابد. با هدف اتقان در نتایج به‌دست آمده، بهره‌گیری از متنی قوی، مستند و مورد توافق پژوهشگران انقلاب اسلامی ضرورت داشته که وصیت‌نامه امام خمینی (ره) برخوردار از همین ویژگی‌هاست. در گام بعدی، به دلیل اهمیت و ضرورت بازنمایی ریشه‌های فکری و دستیابی به پشتوانه اصیل دینی برای مطالب به‌دست آمده، بازبانی نتایج پژوهش در متنی همگون و هم‌راستای با وصیت‌نامه امام (ره) ضروری بوده که عهدنامه مالک اشتر به لحاظ صدور و سند، بهترین متن است. ضمن آنکه بررسی‌ها نشان می‌دهد که چنین پژوهشی به‌صورت همگن، در این دو متن صورت نگرفته است.

بحث

خداگرایی و خدامحوری

بر پایه وصیت‌نامه امام خمینی (ره)، خداوند متعال سرچشمه همه امور بوده و اوست که تدبیر عالم را در دست دارد. بر همین اساس، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران، در همین راستا قابل تحلیل و فهم است. از این دیدگاه، «اسلام و حکومت اسلامی، پدیده الهی» بوده (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۲) و «تأییدات غیبی الهی» (همان، ۴۰۱)، «توفیق و تأیید خداوند» (همان، ۴۰۳) و «خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت» (همان، ۴۱۴)، عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده و تأکید می‌شود که اگر «دست توانای خداوند» نبود (همان، ۴۰۱)، امکان نداشت که انقلاب اسلامی به پیروزی برسد و «تردید نیست که این، یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند مَنان بر این ملت مظلوم غارت‌زده، عنایت شده است» (همان). امام (ره) تلاش‌ها و جان‌فشانی‌های مردم را به دلیل «عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان به خداوند متعال و اسلام» می‌داند (همان، ۴۱۱). در یک نگاه، پیدایش، پیروزی و تداوم انقلاب، در افقی الهی تعریف می‌گردد و ضرورت می‌یابد که کارگزاران، برخوردار از اخلاق و شخصیت الهی و خداگرا و خدامحور باشند. امید و توکل به خداوند متعال، بخش دیگری از ساختار شخصیت اخلاقی و فردی کارگزار اسلامی است.

امام(ره)، خود را «امیدوار به فضل خدا» دانسته (همان، ۴۵۱) و موفقیت را در گرو «تکال به خداوند» برشمرده (همان، ۴۱۶)، زیرا خدا «پشتیبان و نگهدار» است (همان، ۴۱۷). در همین زمینه، بیان می‌دارد: «و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است» (همان، ۴۵۱). بدین ترتیب، اعتماد به وعده‌های الهی و مدد جستن از او، ساحت دیگری از خداگرایی کارگزار اسلامی است. یکی از قلّه‌های گفتمانی وصیت‌نامه در این زمینه، چنین است: «این جانب، روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاد راه پر خطر، همان دلبستگی به کرم کریم مطلق است» (همان، ۴۰۱). این جملات، الگویی تمام عیار برای کارگزار اسلامی است. شاخه دیگری از امید و توکل به خدا در شخصیت کارگزار، درخواست از خدا و استمداد از قدرت الهی است: «از خداوند عز و جل» عاجزانه خواهانم که لحظه‌ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند» (همان). آخرین سفارش‌های امام(ره)، در بردارنده درخواست از خدا بوده: «از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذر مرا در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر ببذیرد» (همان، ۴۵۱). اخلاق و بایسته‌های روحی و شخصیتی، زمانی ارزش دوچندان می‌یابند که در برون‌دادهای رفتاری، تبلور یافته و ساحت بیرونی و ارتباطی انسان‌ها با جهان پیرامونی را در برگیرند. بخشی از این تبلور، پذیرش قلبی و خضوع رفتاری در برابر دستورات و احکام الهی است: «وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع» باشند (همان، ۴۴۵).

بنیان‌های گسترده‌ای برای مباحث پیش‌گفته در عهدنامه مالک اشتر وجود دارد. خداگرایی و خدامحوری جلوه ویژه‌ای در نهج‌البلاغه داشته، به شکلی که محور آموزه‌های امیرمؤمنان(ع) در عرصه‌های گوناگون را تشکیل می‌دهند. خداگرایی، پایه فهم و پابندی به مباحث اعتقادی، اخلاقی و احکامی است. بدین روی، در عهدنامه مالک اشتر، خداگرایی و خدامحوری، تبلور ویژه‌ای دارد. امام(ع) به‌عنوان رهبر و کارگزار اسلامی، نماد و الگوی بندگی و عبودیت خداست. نمونه‌ای از این موضوع، در جملات آغازین عهدنامه مالک اشتر قابل مشاهده است. امام(ع) می‌فرماید: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ...» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). امام(ع) بندگی خدا را نخستین عنوان خویش معرفی کرده و سپس، به بیان نام و جایگاه حکومتی خود می‌پردازد، تا اهمیت بندگی و سر فرود آوردن در برابر قدرت الهی را به کارگزارانش نشان دهد. امام(ع)، مالک اشتر را «به پرهیزکاری و ترس از خدا و برگزیدن طاعت او بر دیگر کارها و پیروی از هر چه در کتاب خود بدان فرمان داده» توصیه کرده (همان) و سعادت انسان‌ها را در گرو پیروی از واجبات و سنت‌های الهی و شقاوت را به دلیل انکار و ضایع کردن آنها بر می‌شمرد (همان) و بدین ترتیب، سیمای الهی کارگزار را ترسیم می‌کند، زیرا که خداگرایی و «تقوا، اساس هر فضیلتی است» (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۲۹). امام(ع)، مالک اشتر را به رعایت حق همگان فراخوانده و از او می‌خواهد تا کارگزارانی را به‌کار گیرد که «أَهْلُ الْخَشْيَةِ»، خداترس و خداگرا باشند (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۹). در این زمینه، امام(ع) تأکید می‌کند که: «مبادا که در گزینش آنها، بر فراست و اعتماد و حسن ظن خود تکیه کنی. زیرا مردان با ظاهر آرایبی و نیکو خدمتی، خویشان را در چشم‌والیان عزیز گردانند. ولی، در پس این ظاهر آراسته و خدمت نیکو، نه نشانی از نیک‌خواهی است و نه امانت» (همان، ۴۳۷). امام(ع)، این شیوه را نشانی بر نیک‌خواهی برای خدا،

«نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ» می‌داند (همان). اصلاح رابطه کارگزار با خدای متعال، بخش مهمی از توصیه‌های امیرمؤمنان(ع) را تشکیل داده است. زیرا اندیشه بنیادین امام(ره) چنین است که اگر «کسی رابطه میان خود و خدا را اصلاح کرده و نیکو سازد، خداوند رابطه میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶، حکمت ۸۹). بر همین پایه، امام(ع) به کارگزارش توصیه می‌کند: «بپرهیز از این که خود را در عظمت با خدا برابر داری یا در کبریا و جبروت، خود را به او همانندسازی که خدا هر جباری را خوار کند و هر خودکامه‌ای را پست و بی‌مقدار سازد» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۸)، همچنین، به لحاظ اصلاح رابطه کارگزار و خدا، توصیه می‌کند که «بهترین وقت‌ها و بیشترین ساعات عمرت را برای آنچه میان تو و خداست، قرار ده» (همان، ۴۴۰)، تا در آن ساعات «به‌صورت کامل به واجبات الهی و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند بپردازی» (حسینی شیرازی، بی‌تا، ج ۴: ۱۸۵). خداگرایی در زمینه پابندی به پیمان‌ها نیز جریان داشته و امیرمؤمنان(ع) به رعایت عهد الهی توصیه می‌کند تا مدیر و کارگزار بتواند از بازخواست الهی برهد (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۴۳). در این نگاه، پذیرش مسئولیت در حکومت اسلامی، امتحان الهی بوده: «إِبْتَلَاكَ بِهِمْ» (همان، ۴۲۸) و در سلسله مراتب مسئولیت و فرمان‌روایی، خدا برتر از همه است: «اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلاَئِكَ» (همان) که فهم این موضوع و پذیرش قلبی و رفتاری آن، سیمایی الهی به کارگزاران اسلامی می‌بخشد. اوج کلام برای درهم کوبیدن غرور و تکبر ناشی از قدرت، آنجاست که، راه‌کار برون رفت از این حالت، نگرش به عظمت ملک الهی و توانایی خداوند بیان شده: «فَانظُرْ إِلَىٰ عِظَمِ مَلِكِ اللَّهِ فَوْقَكَ» (همان). خدایی که «برتر از او و برتر از قدرت او است» (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۴۱) امام(ع)، مالک اشتر را از مقابله با قدرت بی‌انتهای الهی (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۸)، «درشتی نسبت به بندگان خدا و ظلم به آنها ... و سرکشی و نافرمانی خدا» بازداشته (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۳۹) و به او توصیه می‌کند: «با مردم چنان باش که در روز حساب که خدا را دیدار می‌کنی، عذرت پذیرفته آید» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۹). امام(ع) برای تشویق کارگزار اسلامی به بخشش مردم و محبت نسبت آنان، خداگرایی را مطرح می‌کند: «از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست‌داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود، تو را نصیب دهد» (همان، ۴۲۷). خداگرایی در عهدنامه مالک اشتر، در زمینه حل مشکلات، نمود ویژه‌ای دارد. امام(ع) توصیه می‌کند: «چون کاری بر تو دشوار گردد و شبهه‌آمیز شود، در آن کار، به خدا و رسولش رجوع کن» (همان، ۴۳۴). برای کارگزار، وظایفی مشخص شده است که در قیامت باید نسبت به آنها پاسخ‌گو باشد و «والی از عهده آنچه خدا بر او مقرر داشته بر نیاید، مگر، به کوشش و یاری خواستن از خدا» (همان، ۴۳۲). امیرمؤمنان(ع)، خدا را یگانه مرجع درخواست دانسته و متواضعانه خواسته‌های خود از خدا را بیان می‌دارد، تا رابطه صحیح کارگزار با خداوند را ترسیم کند: «از خدای می‌طلبم که به رحمت واسعه خود و قدرت عظیمش در برآوردن هر مطلوبی مرا و تو را توفیق دهد» (همان، ۴۴۵).

پایبندی به اسلام

بررسی و تحلیل اندیشه‌های امام خمینی(ره) پیرامون رابطه دو حوزه‌ی معنایی و کاربردی کارگزار و اسلام، نشان دهنده آن است که این مسأله در دو ساحت، قابل پیگیری است. نخست آنکه کارگزار، ضمن پایبندی به اسلام، دارای ویژگی‌های اسلامی بوده و گزینش و انتخاب او، بر معیارهای اسلامی منطبق باشد و ساحت دوم، به انجام وظایف نسبت به اسلام، بازگشته، تا کارگزار، تصمیماتش را بر آن پایه گرفته و با انحراف در دین مقابله کند. امام(ره) در تبیین چارچوب و محتوای اسلامی نظام می‌فرماید: «آنچه در حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است... که حفظ اسلام، در رأس تمام واجبات است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۳). در ساحت اول، امام(ره) به ملت توصیه می‌کند که انتخاب مسئولین، بر پایه ملاک‌های اسلامی صورت پذیرد. ایشان در انتخاب اعضای مجلس خبرگان، بر «موازن شرعی» (همان، ۴۲۱) و انتخاب افرادی از بین «متدینین و دانشمندان متعهد» تأکید کرده (همان، ۴۲۲) و بیان می‌دارد که اشخاصی برای مجلس شورای اسلامی انتخاب شوند که برخوردار از «تعهد به اسلام و مصالح کشور» باشند (همان، ۴۱۹)، تا از انحرافات جلوگیری شود. همچنین می‌فرماید: «وصیت این جانب به ملت در حال و آتیه آن است که... وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی... به مجلس بفرستند» (همان). محور بودن این ویژگی، بدین علت است که: «اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد، رفع می‌شود» (همان، ۴۲۲). با همین زاویه نگاه، ضرورت «مجتهد بودن در احکام الهی» (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۸۴)، برای رهبر جامعه اسلامی به اثبات می‌رسد، زیرا که او هدایت‌گر جامعه به سوی اسلام بوده است. امام(ره) بر ضرورت «متدین» بودن استانداران تأکید ورزیده (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۷) و بیان می‌دارد که «تمام وزیران وزارتخانه‌ها، مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند» (همان). در همین راستا، خطر دوری از اسلام در مراکز تعلیم و تربیت یادآوری شده: «اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی، در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت» (همان، ۴۳۰) و «اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش... از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما، غیر امروز و میهن ما، غیر این میهن... بود» (همان). ایشان اصلاح امور را وابسته به وجود کارگزاران پایبند به موازین اسلامی می‌داند که «از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز» کنند (همان، ۴۲۶). اهمیت این موضوع تا جایی است که به اقلیت‌های دینی توصیه شده: «وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیر وابسته به قدرت‌های جهان‌خوار و بدون گرایش به مکتب‌های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند» (همان، ۴۲۱). در ساحت دوم، باید که کارگزار، تصمیماتش را بر مبنای اسلام بگیرد و با انحراف مقابله کند. امام(ره) به نمایندگان مجلس توصیه می‌کند که: «همه کوشا باشند که قوانین، خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید» (همان). هم چنین، «اسلامی کردن امور» از وظایف اساسی استانداران شمرده شده است

(همان، ۴۲۷). چنان که به شورای نگهبان توصیه می‌کند: «که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا ... و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی، بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند» (همان، ۴۲۱). رویه‌ی پایبندی به اسلام و انجام تکالیف اسلامی برای همه رده‌های کارگزاری، امری ضروری است، گرچه برای برخی از نهادها یا جایگاه‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این زمینه، به رهبر و شورای رهبری توصیه می‌کند تا «خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند» (همان، ۴۲۳)، چنان که تمام کارگزاران کشور اسلامی، موظف به انجام تکالیف خود نسبت به اسلام هستند و «مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد» نبوده (همان، ۴۲۹)، بلکه «باید وزارت خارجه کوشش کند تا... چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن» کند (همان). به همه کارگزاران در قوای سه‌گانه وصیت شده «که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات، بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است» (همان، ۴۳۶).

پیرامون بازنمایی و ریشه‌یابی مطالب پیش‌گفته، باید بیان داشت که برخورداری از ویژگی‌های اسلامی در عهدنامه مالک‌اشتر، دارای اهمیت شایانی است. پیروی از قرآن در زمینه واجبات و سنت‌ها، از سفارش‌های امیرمؤمنان(ع) به مالک اشتر بوده، تا جایی که این موضوع، رمز سعادت دانسته شده است (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). بخش قابل توجهی از نگاه امام(ع) در زمینه ویژگی‌های اسلامی کارگزار، به انجام وظایف دینی و اسلامی مربوط می‌گردد: «باید در اقامه فرایض... نیت خویش را خالص گردانی. پس، در بخشی از شبانه‌روز، تن خود را در طاعت خدای بگمار و اعمالی را که سبب نزدیکی تو به خدای می‌شود به انجام رسان» (همان، ۴۴۰). در زمینه انتخاب کارگزار اسلامی، دیدگاه امام(ع)، دارای نکات ویژه‌ای است: «کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربه و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آنها که در اسلام سابقه‌ای دیرین دارند» (همان، ۴۳۵). امام(ع) دلیل این ملاک‌ها را چنین بیان می‌دارد: «اینان به اخلاق شایسته‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر است و از طمع‌کاری بیشتر رویگردان‌اند و در عواقب کارها بیشتر می‌نگرند» (همان). در تبیین این دیدگاه، باید بیان داشت که «کارگزار برخوردار از ویژگی حیا، از کوتاهی در رفتار و وظایف، به دور بوده و خاندان‌های صالح، به صورت عمدی به خطا نمی‌روند» (موسوی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۵۸). انجام وظیفه و تکلیف نسبت به اسلام و یاری رساندن به خدا و دین الهی، بخش دیگری از سیمای اسلامی کارگزار است: «أَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). با تأمل در متون مشابه و آیات همسو، مانند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می‌کند» (محمد(ص)/۷)، می‌توان بیان داشت که: «یاری کردن خدا، به معنی یاری کردن آئین و پیامبر و شریعت و تعلیمات اوست» (مکارم شیرازی و همکاران، ج ۲۱: ۴۲۵).

تعهد

بررسی چارچوب معنایی و شیوه بیانی امام(ره)، نشان می‌دهد که منظور ایشان از تعهد، «احساس تکلیف و وظیفه و نوعی دلبستگی، تعلق خاطر و وفاداری فکری و رفتاری به اسلام و مصالح عمومی کشور و ملت»

است. این واژه، ساحتی فراتر از پابندی به اسلام را در بر گرفته و در عنوان جداگانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. امام خمینی(ره) از تعهد، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ضروری کارگزار اسلامی نام می‌برد. روشن است که مسئولین رده‌های بالاتر، باید که از تعهد عمیق‌تری برخوردار باشند، مانند: «از مهمات امور، تعهد و کلای مجلس شورای اسلامی است» (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۹). ایشان در زمینه ضرورت این تعهد می‌نویسد: «ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف... خورد» (همان، ۴۱۹). تعهد به سه موضوع اسلام، مصالح کشور و جمهوری اسلامی معطوف شده و پیرامون نتیجه آن می‌فرماید: «امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور، جلوگیری از هر انحراف بشود» (همان). چنین انسان‌های متعهدی، «غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند» (همان). بر همین پایه، «اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید و مشکلاتی اگر باشد، رفع می‌شود» (همان، ۴۲۲). گروه دیگر، استانداران هستند: «در انتخاب استاندارها دقت کنند، اشخاص... متعهد... انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور، هر چه بیشتر حکم‌فرما باشد» (همان، ۴۲۷). ایشان ضمن اهمیت بخشی به مسأله قضاوت، به دلیل ارتباط با جان و مال و ناموس مردم، می‌نویسد: «در تعیین عالی‌ترین مقام قضایی... کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه‌دار... را نصب نمایند» (همان، ۴۲۴).

تعریف و زاویه نگاه به شاخصه تعهد، دارای زیرساخت‌های مستحکمی در عهدنامه مالک اشتر است. چنان که از حکومت به‌عنوان امانت الهی یاد شده و مسئولیت و کارگزاری در آن، عهد و پیمان ارزشمندی است: «عَهْدِيهِ اِيْتِيَه» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). برگزیده‌ترین کارگزاران حکومت اسلامی، کسانی هستند که متعهد بر پیمان‌های الهی، حق، مصلحت عمومی و عدالت فراگیر اجتماعی باشند. تکلیف‌مداری نسبت به پرپایایی حق و حق‌گویی، شاخصه‌ای برای این گروه است (همان، ۴۳۰). تعهد به انجام تکلیف در برابر حق، تا بدانجا پیش می‌رود که امیرمؤمنان(ع) به کارگزار اسلامی فرمان می‌دهد که: «اجرای حق را در باره هر که باشد، چه خویشاوند و چه بیگانه، لازم بدار و در این کار شکیبایی به خرج ده» (همان، ۴۴۱). ضمن آنکه کارگزار، متعهد به بیان حق و انجام رفتارهای پسندیده است: «بِمَرْ الحَقِّ» (همان، ۴۳۰). تعهد به مصالح عمومی کشور و ملت ایجاب می‌کند که پاسخ‌گویی به کارگزاران و پیگیری نیازهای مردمی، به موقع پیگیری گردد: «اِجَابَةُ عُمَّالِكَ... وَ... اِصْدَارُ حَاجَاتِ النَّاسِ يَوْمَ وُرُودِهَا» (همان، ۴۴۰). کارگزار اسلامی، حقوق عمومی را به خود اختصاص نداده (همان، ۴۴۴) و به مصلحت عمومی، عدالت‌گستری فراگیر و ایجاد رضایت اجتماعی پای‌بند است: «أَعْمَلًا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعًا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ» (همان، ۴۲۹). امیرمؤمنان(ع) ضمن برحذر داشتن از امتیازدهی به نزدیکان، ضرورت توجه ویژه و تعهد به مصالح عمومی و توده مردم (همان، ۴۲۹) در نقاط نزدیک یا دور کشور را یادآور می‌شود (همان، ۴۳۹). امام(ع) از تلاش متعهدانه کارگزار، به «هَمَّتِكَ» تعبیر کرده‌اند (همان). بر همین اساس، مدیر و کارگزار کشور اسلامی، «مطالَب و مسؤل» نسبت به حقوق عامه مردم و تمام امور کوچک و بزرگ بوده (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۰۱) و از عهده آن بر نمی‌آید، مگر با مجاهدتی متعهدانه. یکی از برجسته‌ترین بیانات، پیرامون تعهد و دلسوزی نسبت به مردم،

آنجاست که می‌فرماید: «تَفَقَّدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا- به کارهایشان آن چنان بپرداز که پدر و مادر به کار فرزند خویش می‌پردازند» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۳). به حضور در بین مردم و آگاهی از مشکلات خرد و کلان آنان و واقعیت‌های جامعه (همان، ۴۴۱) و پایبندی به سنت‌های نیکوی اجتماعی که جامعه بر آن استوار گشته، تأکید شده است (همان، ۴۳۱). منظور از سنت‌ها، مفهومی فراتر از سنت‌های شرعی بوده و سنت‌های نیکوی عرفی را شامل می‌گردد (مغویه، ۱۳۵۸، ج ۴: ۶۲). برای رسیدن به این سطح از تعهد، امام(ع) به حاکم اسلامی توصیه می‌کند که کسانی را برای کارگزاری برگزیند که: «میان همگان اثری نیکو نهاده و به امانت، از همه شناخته‌تر است» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۷).

عقلانیت و دانایی

برخورداری از اندیشه‌ای ژرف و خردی راستین، از نیازها و ضرورت‌های کارگزاران اسلامی است، تا ضمن درک صحیح واقعیت‌های جامعه، بهترین تصمیم را برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی و برطرف کردن مشکلات بگیرند. امام(ره) یکی از ویژگی‌های مهم کارگزار اسلامی را، دانایی، اندیشه‌ورزی، خردگرایی و عقلانیت می‌داند؛ چنان‌که «عقل و تدبیر» از شرایط عامه و ضروری و «علم به قانون» از شرایط اساسی زمامدار حکومت اسلامی بیان شده است (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷). بدین روی، «کارشناس و مجتهد بودن در احکام الهی» از شرایط رهبر جامعه است (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۸۴)، «زیرا حکومت اسلامی، حکومت قانون است... اگر زمامدار، مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹: ۴۸). گستره دانایی نسبت به قوانین، چنین است که این علم، «نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه و مقامی داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد. منتها حاکم باید افضلیت علمی داشته باشد» (همان). در همین راستا، به دلیل اهمیت مجلس خبرگان، اعضای مجلس خبرگان باید از بین «دانشمندان متعهد» (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۲) انتخاب شوند. امام(ره) به مردم سفارش می‌کند که «اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند» (همان، ۴۱۹). چنان‌که انتخاب قضات از بین اشخاص «صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست» ضرورت دارد (همان، ۴۲۴). نمونه دیگری از این موضوع، توصیه امام(ره) به وزرای کشور است که استاندارانی «عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند» (همان، ۴۲۷)، توضیح اینکه عقل قوه‌ای در انسان (دانش پژوه و افشار، ۱۳۸۷: ۲۶۰)، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است، (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱) که حاکم بر رفتارهای او (سجادی، ۱۳۶۱: ۳۶۳؛ سجادی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۷۰ و ۱۲۷۱) و عاملی برای پیدایش رفتارهای صحیح (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۱۴۱) می‌باشد. بدین روی، تمییز بین حق و باطل و عروج به قله‌های ایمان و بارگاه الهی، به مدد آن محقق می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲۱-۲۲۲). عقل و دانش، حاکم بر رفتارهای انسان، عامل پیدایش رفتارهای صحیح و تمییز بین حق و باطل هستند.

همین حساسیت و پی‌جویی پیرامون این دو ویژگی، در عهدنامه مالک اشتر وجود دارد، به شکلی که دانایی و خردگرایی، جایگاهی والا نزد امیرمؤمنان(ع) داشته و مدیر اسلامی موظف است، کسانی را برای

کارگزاری برگزیند که «به پایگاه و مقام خویش در کارها آگاه بوده» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۷) و دارای «آزائهم و نفاذهم» - رأی و اندیشه و کردانی» باشند (همان، ۴۳۰). این ویژگی برای برخی پست‌های حکومتی، از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ چنان‌که قاضی «به اندک فهم، بی‌آنکه به عمق حقیقت رسد، بسنده نکند» و شناخت کاملی داشته باشد (همان، ۴۳۴)، بررسی عهدنامه مالک اشتر نشان از این دارد که ویژگی‌هایی که امام(ع) برای زمامدار و کارگزار برمی‌شمرد، همگی برخواسته از دانایی و عقلانیت هستند، مانند: یادآوری سرگذشت و رفتارهای پسندیده والیان گذشته (همان، ۴۲۷)، برخورداری از رفتار سنجیده (همان، ۴۴۰)، دوراندیشی در جنگ (همان، ۴۴۲)، توجه به عاقبت عدالت‌ورزی (همان، ۴۴۱) و عبرت‌گیری (همان، ۴۳۶).

سلامت فکری، اخلاقی و رفتاری

سلامت نفس در سه ساحت فکری، اخلاقی و رفتاری جلوه‌گر است. ضرورت وجود این ویژگی، از شالوده حکومت اسلامی و اهداف اخلاقی آن (حاجیلوئی‌محب، ۱۳۹۶: ۸۳) برآمده، چنان‌که شرایط زمامدار حکومت اسلامی، از بن‌مایه و شیوه فقه سیاسی اسلام سرچشمه می‌گیرد (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹: ۴۷). امام(ره) الگویی از این سلامت نفس بوده و متواضعانه خویشتن را نیازمند محبت الهی دانسته و از خود به‌عنوان یک نفر طلبه حقیر یاد می‌کند (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۱) که به دنبال نفع خود یا جلب نظر جوانان، برای به‌دست آوردن مقام و قدرت نیست (همان، ۴۱۲). در وصیت‌نامه، از رهبر و شورای رهبری خواسته شده است «که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند» (همان، ۴۲۳) و گمان نکنند که این مسئولیت تحفه‌ی ویژه‌ای است. ایشان از چنین مسئولیتی به‌عنوان وظیفه‌ای سنگین و خطرناک نام می‌برد و لغزش همراه با هوای نفس را باعث «تنگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر» می‌داند (همان). به همین دلیل، برخورداری از «تهذیب و صیانت نفس»، از ویژگی‌های ضروری رهبر اسلامی است (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۸۴). به دلیل ضرورت وجود سلامت نفس برای مسئولین و رده‌های کارگزاری، از «شخصیت‌های پاکدامن، با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش» در قوای سه‌گانه (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۳۰) و از «فرماندهان پاکدامن» در نیروهای مسلح بهره برده می‌شود، تا استقلال و آزادی کشور محفوظ بماند (همان، ۴۳۲). به دلیل جایگاه و اختیارات مجلس شورای اسلامی، برخورداری از سلامت نفس برای نمایندگان، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در وصیت‌نامه به ملت سفارش شده است که نمایندگان «غیر منحرف از صراط مستقیم» به سوی غرب یا شرق - و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی» را انتخاب کنند (همان، ۴۱۹) و از نمایندگان مجلس خواسته شده است که اعتبارنامه نمایندگان دارای انحراف را رد کنند (همان، ۴۲۱). در راستای سلامت فکری نمایندگان مجلس، به اقلیت‌های رسمی سفارش شده است که ضمن عبرت‌گیری از گذشته، نمایندگانی «بدون گرایش به مکتب‌های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند» (همان). بخشی از سلامت فکری، اخلاقی و رفتاری، در گرو دوری از دنیاطلبی و گرایش به ساده‌زیستی است. در سیره اخلاقی و

رفتاری امام(ره)، ساده‌زیستی مسئولین، شاخصه‌ای اساسی است. ایشان بیان می‌دارد که «رئیس جمهور و کلاهی مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده» باشند (همان، ۴۲۲). در جای دیگری، تأکید می‌شود که متعهدین به اسلام و جمهوری اسلامی، «غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند» (همان، ۴۱۹). این بدان جهت است که چنین قشری، به ساده‌زیستی تمایل بیشتری دارند. با همین نگاه، «ساده‌زیستی امام خمینی(ره) و اعتقاد او به لزوم احتیاط کامل در صرف بیت المال»، برای همگان، مسأله‌ای روشن است (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۹۶). از نگاه ایشان، برپایی حکومت، با هدف «جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاعت‌گرایی» نبوده، بلکه حکومتی است «برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۷).

در عهدنامه، به سلامت نفس توجه فرآینده‌ای شده است؛ با این تفاوت که به دوری از هوای نفس و شهوات و دوری از قدرت‌طلبی و مقام‌خواهی، توجه بیشتری نشان داده شده است. سلامت نفس، رمز مصونیت کارگزار اسلامی است. در برابر این موضوع، پیروی از خواسته‌های نفسانی قرار دارد. امام علی(ع) به مالک اشتر «فرمان می‌دهد که زمام نفس خویش در برابر شهوت‌ها را به دست گرفته و از سرکشی‌هایش باز دارد» (شریفرضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). پیداست که قدرت‌طلبی، مقام‌خواهی و زیاده‌طلبی، مصادیق آشنایی از ردایل اخلاقی هستند. ایستادگی در برابر سرکشی نفس و سرکوب آن و دوری از پیروی از هوای نفس، فضیلتی در زیرمجموعه فضیلت پاک و عفت است (بحرانی، ۱۳۷۵: ۲۲۹/۵). کارگزار باید به انصاف و ایستادن در موضع عدل و داد پایبند بوده و از افراط، تفریط، ظلم و بی‌باکی دور باشد (همان، ۲۳۸). سلامت نفس کارگزار اسلامی در عرصه‌های گوناگونی نمود دارد که آشنایی به جایگاه و ارزش انسانی خویش (شریفرضی، ۱۳۸۶: ۴۳۷)، برخورداری از حیا، شایستگی اخلاقی و دوری از طمع‌ورزی، نمونه‌هایی از آن است (همان، ۴۳۵). تعلق به خاندان‌های صالح، ریشه‌های اصیل خانوادگی و پیشگامی در اسلام و برخورداری از حیا، باعث دوری از زشتی‌ها و تضمین سلامت نفس می‌گردد (مغنیه، ۱۳۵۸، ج ۴: ۸۱). بخشی از سلامت نفس مدیر اسلامی، عدالت‌گستری، مدارا و ایجاد گشایش نسبت به مردم است (شریفرضی، ۱۳۸۶: ۴۳۶). امام(ع) برای تثبیت سلامت نفس در زمینه‌ی شیوه تعامل مدیر و کارگزار با مردم و به‌ویژه نیازمندان و بینوایان، توجه به قیامت را یادآور می‌شود: «با مردم چنان باش، که در روز حساب که خدا را دیدار می‌کنی، عذرت پذیرفته آید» (همان، ۴۳۹). روشن است که این سبک نگاه، بر سلامت نفس کارگزاران می‌افزاید، چنان‌که سلامت نفس دبیران (همان، ۴۳۷) و برخورداری آنها از ویژگی‌های پسندیده و اخلاق صالح، مورد توصیه بوده است (راوندی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۹۱).

اخلاص

تلاش‌های گسترده حضرت امام(ره) برای پیروزی نهضت اسلامی، بر کسی پوشیده نیست، اما ایشان از رهبری و زحمات خود، نامی نمی‌برد و انقلاب اسلامی را «دست‌آورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب‌دیدگان عزیز» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۱) و نتیجه «خواست خداوند متعال و

مجاهدت ملت دانسته» (همان، ۴۱۴) و از خداوند متعال می‌خواهد که به ایشان «خلوص نیت» در گفتار عنایت فرماید (همان، ۴۰۱). همچنین پیروزی و بقای انقلاب را به «مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی» (همان، ۳۹۹) و «تأییدات غیبی الهی» می‌داند (همان، ۴۰۱)؛ چنان‌که پایه‌ریزی جمهوری اسلامی را مرهون «توفیق و تأیید خداوند» (همان، ۴۰۳) و «دست توانای ملت متعهد» (همان) دانسته و به هیچ‌عنوان، نامی از خود نمی‌برد. امام(ره) معتقد است که «انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی» (همان، ۴۰۴)، رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی است. ایشان یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با همه انقلاب‌ها را، علاوه بر پیدایش و کیفیت مبارزه، مسأله «انگیزه انقلاب و قیام» دانسته (همان، ۴۰۱) و از نمایندگان مجلس می‌خواهد که با «کمال حسن نیت» با همکاران رفتار کنند (همان، ۴۲۱). اوج اخلاص امام(ره) را، جایی می‌توان یافت که ایشان ضمن ابراز علاقه به جوانان و توصیه آنان به خداگرایی و پی‌جویی سعادت، می‌نویسد: «شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید، در آن وقت، من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی، با قلب‌های جوان شما بازی کنم» (همان، ۴۱۲).

هر دو متن مورد کاوش، بر جایگاه ممتاز اخلاص تأکید دارند. در فرهنگ گفتاری و شیوه حکومت امیرمؤمنان(ع)، اخلاص جایگاه نخست را دارد. پذیرش حکومت بر اساس انگیزه و تکلیف الهی است و هرگاه نیت خالص باشد، کارها رنگ الهی می‌گیرد: «إِذَا صَلَّحْتَ فِيمَا النِّيَّةُ» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷). بدین روی، پذیرش مسئولیت در حکومت اسلامی، با هدف قدرت‌یابی یا بهره‌گیری بیشتر از دنیا نیست، بلکه انگیزه الهی و خدمت به مردم، مورد نظر است، «پس، نه خیانت را جایی برای خودنمایی است و نه فریب را و نه حيله‌گری را» (همان، ۴۴۲).

تواضع

تواضع یکی از نتایج اخلاص است. بخش گسترده‌ای از تلاش امام(ره) در زمینه تشویق کارگزاران به تواضع، به ایجاد الگوی عملی اختصاص دارد. بدین معنا که ایشان اوج تواضع را در گفتار و رفتار خود به نمایش می‌گذارد تا کارگزاران کشور اسلامی را به این مسیر رهنمون شود. امام(ره) الگوی تمام‌عیار فروتنی، تواضع و افتادگی است. این ویژگی که ریشه در اندیشه و رفتار سلف صالح و سیره مستمر علمای خودساخته دارد، در همه ابعاد بیرونی و دورنی ایشان نمود داشته است. جایگاه علمی، شأن مرجعیت و فراوانی شاگردان، گستره علم ایشان را به تصویر می‌کشد؛ با این حال، تواضع در دانش، تبلوری از این شاخصه است. به‌عنوان نمونه، پیرامون حدیث ثقلین می‌نویسد: «این جانب مناسب می‌دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب ثقلین تذکر دهیم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی، عاجز است» (موسوی‌خیمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۹۳) و زمانی که به شرح می‌پردازد، از واژه «شاید» بهره می‌گیرد: «شاید جمله لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ اشاره باشد بر...» (همان، ۳۹۴). ایشان خود را طلبه‌ای حقیر معرفی کرده و می‌نویسد: «این جانب... به‌عنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی...» (همان، ۴۰۱). این شکل

تواضع، در ساحت بندگی به اوج خود می‌رسد(همان) که جملاتی مانند: «از خداوند منان هادی، با تضرع و ابتهال می‌خواهم که...» نمونه‌هایی از این معناست (همان، ۴۲۳). یکی از جلوه‌های ویژه‌ی تواضع امام(ره)، در جملات پایانی وصیت‌نامه است: «از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهی‌ها و قصور و تقصیرها بپذیرند... و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار، در سد آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند» (همان، ۴۵۱). این الگوی عملی، آیین‌های تمام‌نما برای کارگزار اسلامی است.

ضرورت تواضع از سوی کارگزار، در عهدنامه مالک اشتر موج می‌زند. در چارچوب اندیشه‌ی حکومتی امیرمؤمنان(ع)، پذیرش مسئولیت برای خدمت‌رسانی به مردم و احیای ارزش‌های اخلاقی (حاجیلوئی‌محب، ۱۳۹۷: ۵۷) و برپایی عدالت بوده (حاجیلوئی‌محب، ۱۳۹۶: ۸۳) و تواضع، به‌عنوان وظیفه‌ای در برابر انسان‌ها، شاخصه‌ای مهم و مستمر است. یکی از نموده‌های این موضوع، در ابتدای عهدنامه است که امام(ع)، پیش از آنکه نام و مسئولیت خود را بیان دارد، خویشان را بنده خدا می‌نامد: «عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۶). امام(ع) برای توجه دادن مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی به ضرورت تواضع، سلسله مراتب مسئولیت و وجود مدیر بالا دست را یادآور شده و سپس به گستره ولایت الهی اشاره می‌کند (همان، ۴۲۶). امام(ع) بیان می‌دارد که نباید سرمستی و غرور، کارگزار و مدیر اسلامی را از مردم غافل ساخته و با تکبر از آنان روی بگرداند. این موضوع، پیرامون رسیدگی به وضعیت نیازمندان و طبقه ضعیف جامعه، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (همان، ۴۳۹) که این روش، باعث رسیدگی به امور همگان می‌گردد (مغنیه، ۱۳۵۸، ج ۴: ۱۰۱). یکی از قله‌های بیانی عهدنامه مالک اشتر، به مسأله تواضع و دوری از خودپسندی بازمی‌گردد، آنجا که می‌فرماید: «از خودپسندی و از اعتماد به آنچه موجب اعجاب شده و نیز از دل‌بستگی به ستایش و چرب‌زبانی‌های دیگران، پرهیز کن، زیرا یکی از بهترین فرصت‌های شیطان است برای تاختن، تا کردارهای نیکوی نیکوکاران را نابود سازد» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۴۳)؛ زیرا که دل‌بستن به چرب‌زبانی و ستایش دیگران، کارگزار را به خود مشغول کرده و او را در هاله‌ای از فریب و خودپسندی فرو می‌برد. برای تداوم حالت تواضع و برون رفت از نخوت، راهکار مناسبی پیشنهاد شده است که ریشه‌ای از آموزه‌های تربیتی اسلام است. این راهکار، شامل نگرش به گستره‌ی حکومت الهی و توانایی خداوند نسبت به بندگان بوده که این نگرستن همراه با اندیشه و خردورزی، روح انسان را تسکین داده و غرور او را فرو می‌نشاند (همان، ۴۲۸). چنین روشی، دارویی کارآمد و آرام‌بخش برای دفع خودپسندی و غرور بوده و ضعف انسان و قدرت الهی را به کارگزار اسلامی یادآور می‌شود (بحرانی، ۱۳۷۵: ۲۴۱/۵). قرار گرفتن در سلسله مراتب کار اجرایی و بهره‌مندی از اختیارات و امکانات گوناگون، کارگزار اسلامی را تا مرز توهم خداگونگی و همانندی با او پیش می‌برد. در عهدنامه، ضمن پیش‌بینی و تذکر این موضوع، عاقبت آن یادآوری شده: «خدا هر جباری را خوار کند و هر خودکامه‌ای را پست و بی‌مقدار سازد» (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۸). گونه‌های دیگری از رفتار غیرمتواضعانه، مورد نکوهش است، چنان‌که «به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است» (همان، ۴۳۵). ارائه روش‌های گوناگون در زمینه تعامل

محبت‌آمیز با مردم، گونه‌ای دیگر از تواضع کارگزار نسبت به مردم است. چنان‌که مدیر اسلامی موظف است، گره هر کینه‌ای را از دل مردم بگشاید و رشته‌های دشمنی را بگسلد (همان، ۴۲۹).

جدیت و پایداری

برای پیوستگی و سامان امور، برخورداری از جدیت و پشتکار ضروری است. امام (ره) به ملت‌های ستم‌دیده و مرم ایران توصیه می‌کند که مسیر الهی را «محکم و استوار و متعهد و پایدار» ببینند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۹۹) و دسیسه‌های داخلی و خارجی نباید «تزلزل در نیت پاک و اراده آهنین آنان» وارد کند (همان). امام (ره) مسئولین بخش‌های گوناگون را به جدیت و پیگیری پیوسته در حوزه‌ی وظایف خود توصیه می‌کند. ایشان به مسئولین قضائی تأکید می‌کند که مسأله قضاوت را «با جدیت سر و سامان دهند ... و با پشتکار و جدیت، به تدریج دادگستری را متحول نمایند» (همان، ۴۲۴) که بخشی از این سامان بخشی، در زمینه بکارگیری قضات عالم و صالح است. در وصیت‌نامه، به وزرای خارجه توصیه می‌شود که به اصلاح سفارتخانه‌ها همت گمارده و نمایندگی‌هایی متناسب با شأن جمهوری اسلامی ایجاد کنند. این کار، در سایه «پشتکار و صرف وقت» (همان، ۴۲۷) به سرانجام مطلوب خواهد رسید. همین توصیه به شورای نگهبان صورت گرفته است تا «با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا» کرده (همان، ۴۲۱) و بدون تأثیرپذیری از فشارهای بیرونی، «از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی، بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند» (همان).

در همین زمینه، توصیه‌های گوناگونی در عهدنامه مالک اشتر وجود دارد. برخی از آنها، به مدیر اسلامی، برخی به شیوه انتخاب و نظارت بر کارگزاران و دسته دیگری به وظایف در برابر مردم باز می‌گردد. روشن است که اثربخشی این امور، به وجود جدیت، پایداری و پشتکار بستگی دارد. امیرمؤمنان (ع) ضمن بیان ضرورت توجه به اصناف گوناگون مردم، انجام تکلیف نسبت به آنها و اصلاح امورشان را، به کوشش و یاری خواستن از خدا و شکیبایی ورزیدن در کارها مشروط کرده است (شریف رضی، ۱۳۸۶: ۴۳۲). در عهد نامه مالک اشتر به انتخاب کارگزاران جدی و پیگیر تأکید شده است. امام (ع) توصیه می‌کند که در انتخاب دبیران، بهترین‌ها گزینش و بکارگیری شوند، کسانی که اخلاق شایسته‌تری داشته و ضمن برخورداری از ظرفیت اکرام، دچار سرمستی و غرور نشده و از غفلت و سهل‌انگاری به دور هستند. دوری از سهل‌انگاری، غفلت و سستی، در پرتو جدیت، پشتکار و پیگیری به‌دست می‌آید (همان، ۴۳۷). موارد پیش‌گفته، شاخصه‌های است که همه اخلاق صالح را دربرگیرند (راوندی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۹۱). جدیت، از الزامات اجرای حق و عدالت و دست‌یابی به اهداف اخلاقی حکومت اسلامی است. امیرمؤمنان (ع)، به اجرای حق، در مورد همه انسان‌ها توصیه کرده و ضرورت شکیبایی در این زمینه را یادآور می‌شود (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۴۱). روشن است که گسترش عدالت نسبت به همه انسان‌ها، به‌ویژه نزدیکان و زیاده‌خواهان، در پرتو جدیت، پایداری و پشتکار، به نتیجه خواهد رسید.

استقلال و آزادی

وصیت‌نامه امام(ره)، نشانی از اندیشه والای ایشان در زمینه استقلال و دوری از وابستگی به قدرت‌های خارجی است. ایشان استقلال فکری مسئولین و مردم را بنیانی مهم دانسته و استقلال و آزادی را شرطی مهم برای انتخاب کارگزاران اسلامی برمی‌شمرد. نکته مهم، ریشه دواندن اندیشه اتکالی به توان داخلی و وابسته نبودن به استکبار است، اوج کلام آنجاست که می‌فرماید:

«اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب، زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم» (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۴۰).

پذیرش اندیشه و توانایی دستیابی به استقلال، مهم و حیاتی است و «باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند، می‌توانند» (همان). نظام طاغوتی به دنبال آن بوده است تا اندیشه وابستگی را در همه شئون گسترش دهد، اما باید پذیرفت: «که اگر بخواهیم، می‌توانیم» (همان، ۴۱۶). در این اندیشه، به همگان اعلام می‌شود که: «با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود، به رفع وابستگی‌ها قیام کنید» (همان). می‌توان به استقلال و آزادی رسید: «به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها، برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب» (همان، ۴۱۶). اهداف پیش‌گفته در زمینه استقلال ملی، زمانی محقق خواهد شد که کارگزاری مستقل از قدرت‌های خارجی، به کار گرفته شوند. در همین راستا، بر همگان لازم است که: «با جدیت، از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند» (همان، ۴۲۰)؛ چنان‌که لازم است، از ورود نمایندگان «نوکرآب» (همان، ۴۱۹) جلوگیری شده و افراد «غیر منحرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق -» به مجلس راه یابند (همان). همین موضوع، به اقلیت‌های مذهبی رسمی وصیت شده است که «وکلائی خود را از اشخاص... غیر وابسته به قدرت‌های جهان‌خوار... انتخاب نمایند» (همان، ۴۲۱). جلوگیری از ورود افراد وابسته به درون مجلس، دارای چنان اهمیتی است که به نمایندگان وصیت شده است، ضمن رد اعتبارنامه نمایندگان منحرف، «نگذارند، حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد» (همان). به لحاظ جایگاه ویژه شورای نگهبان، به اعضای این نهاد توصیه شده است که «تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند» (همان)، چنان‌که بر دیگر مسئولین لازم است که «تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع» نگردند (همان، ۴۴۵) و بر اندیشمندان و علماء لازم است، «تحت تأثیر... شایعه‌سازی‌ها قرار نگیرند» (همان، ۴۴۷). در پایان وصیت‌نامه، امام(ره) استقلال خود را، در زمینه تهیه متن اعلامیه‌های دوره مبارزه و رفتنشان به پاریس، مورد تأکید قرار می‌دهد (همان، ۴۵۲). استقلال و وابسته نبودن، فقط مربوط به کارگزاران نبوده، بلکه روش‌های حاکمیتی را در بر می‌گیرد. بدین روی، حفظ استقلال در سیاست خارجی مهم بوده و به مسئولین وصیت شده است: «از هر امری که شائبه وابستگی دارد، به‌طور قاطع احتراز نمایید» (همان، ۴۲۷).

به دلیل شیوهی گفتمانی در عهدنامه و شرایط محیطی عصر صدور، بحث استقلال، به شکلی که در وصیت‌نامه امام(ره) آمده، در عهدنامه مطرح نشده و گاه، استقلال به معنای اتکای به خداوند و وابسته نبودن به نیروهای مادی، مانند ثروت و سپاه به چشم می‌خورد.

شایستگی و توانایی

در کنار بیان شاخصه‌های کارگزاری، بر انتخاب شایسته‌ترین افراد تأکید شده است. چنان‌که رئیس جمهور و نمایندگان مجلس از بین شایستگان گزینش می‌شوند (همان، ۴۲۲). گزینش شایستگان برای کارگزاری کشور اسلامی، باعث می‌گردد که «بسیاری از مشکلات به‌واسطه تعیین شایسته‌ترین و متعهدترین شخصیت‌ها... پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد» (همان، ۴۲۲). منظور از شایستگی، برخورداری از ویژگی‌های لازم در زمینه تصدی هر مسئولیت خاص، در رده‌های گوناگون کارگزاری است، مانند: «تدبیر و مدیریت و کاردانی در اداره جامعه، شجاعت و عدالت و کارشناس و مجتهد بودن در احکام الهی»، برای تصدی رهبری جامعه اسلامی (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۸۴) و نیز، لیاقت و کاردانی در زمینه انتخاب استانداران (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۷) و تعهد و حسن سابقه و صاحب‌نظر بودن در امور شرعی و اسلامی و سیاسی برای قضات (همان، ۴۲۴). نبود حساسیت در این زمینه، موجب ورود «مجریان غیر صالح» به عرصه کارگزاری نظام اسلامی می‌شود (همان، ۴۲۶).

در عهدنامه، بر جایگاه نیکوکاران در نظام اسلامی اشاره شده (شریف‌رضی، ۱۳۸۶: ۴۲۷) و توصیه شده است که «خَيْرُهُمْ - بهترین» و «أَجْمَعِيَهُمْ لِرُؤُوسِهِمُ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ - شایسته‌ترین در اخلاق» به کار گرفته شوند (همان، ۴۳۷). بدین روی، چنین کسانی برای حضور در عرصه‌ی کارگزاری اولویت دارند. برتری و شایستگی زمانی نمود می‌یابد که بزرگی و گستردگی حوزه مسئولیت، کارگزار را مقهور و پریشان‌نazard (همان). امام علی(ع) توصیه می‌کند که کارگزاران شایسته را در میان افراد دارای تجربه و برخوردار از حیا، خانواده‌های صالح و پیشگامی در اسلام، بجویید (همان، ۴۳۵). در این نگاه، ناشایسته‌ترین کارگزار، کسی است که در نظام ظلم خدمت کرده و در خطای آنان شریک است (همان، ۴۳۰).

نتیجه‌گیری

در یک نگاه، وصیت‌نامه امام خمینی(ره) و عهدنامه مالک اشتر، شاخصه‌های فردی کارگزار اسلامی را تبیین کرده‌اند. هر دو متن، دارای افق یکسانی در این زمینه بوده، به شکلی که ریشه‌های گفتمانی وصیت‌نامه، در عهدنامه مالک اشتر پیداست. سیمای فردی کارگزار اسلامی به‌صورت هم‌پایه و هم‌راستا، در ده شاخصه ترسیم شده است: ۱- خداگرایی و خدامحوری، ۲- پابندی به اسلام، ۳- تعهد، ۴- دانایی و عقلانیت، ۵- سلامت فکری، اخلاقی و رفتاری، ۶- اخلاص، ۷- تواضع، ۸- جدیت و پایداری، ۹- استقلال و آزادگی، ۱۰- شایستگی؛ که چارچوب هریک، به شرح زیر است:

۱. کارگزار اسلامی، خداگرا و خدامحور بوده و خود را بنده خدا دانسته و از شاخصه توکل، امید و اطاعت‌پذیری برخوردار است.

۲. کارگزار بر اساس معیارهای اسلامی انتخاب شده؛ بدین روی، ضمن پایبندی به اسلام، برای گسترش آن تلاش می‌کند.
۳. مدیران و کارگزاران نسبت به مصالح کشور، مصلحت عمومی مردم و حق، باید متعهد باشند و این ویژگی، برای برطرف کردن مشکلات انقلاب، نقشی اساسی دارد.
۴. به دلیل نقش عقل و دانش در پیدایش تصمیم‌ها و رفتار صحیح، اوج عقلانیت و دانشوری برای رهبر جامعه اسلامی و مراتبی از آن، برای کارگزاران ضروری است.
۵. سلامت فکری، اخلاقی و رفتاری از بایسته‌های کارگزاری در نظام اسلامی است که دوری از قدرت-طلبی، دنیاطلبی و هوای نفس و برخورداری از پاکدامنی، اخلاق صالح و ساده‌زیستی از جلوه‌های آن است.
۶. کارگزار اسلامی از انگیزه الهی برخوردار بوده و خود را خادم ملت دانسته و اخلاص، ویژگی بارز اوست.
۷. راهبرد نظام اسلامی در زمینه گسترش تواضع در بین کارگزاران، تجلی تواضع در رفتار حاکم و ارائه الگوی عملی در این زمینه است. راهکارهای دیگر عبارتند از: توجه به محرومان، توجه به گستره حکومت خداوند، دل نبستن به ستایش اطرافیان و ...
۸. اصلاح امور و دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی، در پرتو جدیت، پایداری و پشتکار کارگزاران به دست می‌آید.
۹. حیات یک ملت، به استقلال و آزادی مردم و کارگزاران و اتکای به توان داخلی بستگی داشته و به همین دلیل، حذف کارگزاران وابسته به بیگانه و مبارزه با اندیشه وابستگی ضروری است.
۱۰. انتخاب شایسته‌ترین و تواناترین افراد برای ورود به عرصه‌ی کارگزاری ضرورت داشته و در این زمینه، به برخی از مسئولیت‌های خاص مانند: ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و قضات اشاره صریح‌تری شده است. نتیجه انتخاب شایسته‌ترین انسان‌ها، به وجود نیامدن مشکلات و رفع مشکلات پیش آمده خواهد بود.

References

- Quran. Translator: Mohammad Mehdi Fooladvand.
- Al-Musawi, al-Sayyid Abbas Ali. (1376), Explanation of Nahj al Balaghah. First print. Beirut: Dar al-Rasul Alakarm.
- Ansari, Hamid. (1391). The Awakening Hadith, Biography of Imam Khomeini. Forty-third printing. Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Bahrani, Maysam bin Ali. (1375). Explanation of Nahj al-Balagheh. Translation: Translators. First print. Mashhad: Astan Quds Razavi Research.
- Danish Pajoh, Mohammad taghi, Atshar, Erge. (1387), Translation Rasayil 'iikhwan alsafa (mjamil alhakhm), First print. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.

- Hosseini Shirazi, Seyed Mohammad. (No date). Explanation of Nahj al Balaghah. First print. Tehran: Dar toras al Shia.
- Makarem Shirazi, Nasser, Partners. (1371), Sample Interpretation. Tenth print. Tehran: Dar al-Kutab al-Islamiyah.
- Mazandarani, Mohammad Saleh bin Ahmad. (1382), Description al-Kafi – Usul and Roodah. Researcher and Editor: Abolhassan Shaarani. First print. Tehran: almaktabuh al'iislamih.
- Mohammad Mahdi Hajilouei Moheb (1397), Adaptive analysis of the ethical goals of government in nahj al-balaghah and the constitution of the islamic republic of iran". Quarterly Journal of Nahj al-balagha. Volume 6, Issue 22, Summer 2018, 57-79.
- Mohammad Mahdi Hajilouei Moheb. (1396). "A comparative study of the goals of government justice in the constitution of the islamic republic of iran and nahj al-balaghah". Islamic Revolution Research. Volume 6, Issue 20, Spring 2017, 83-99.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhullah, (1379), velayat-e faqih, First print. Tehran Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhullah, (1385), Sahifa Imam Khomeini. Fourth print. Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhullah. (1377), Explanation soldiers talk mind and ignorance. Third print. Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. (1358), in the Shades of Nahj al-Balagha. Third print. Beirut: Dar al-Alam Lalmalein.
- Rwany, Saeed bin Heba Allah. (1364), munhaj albaraeih fi sharah nahj albilaghih. First print. Qom. Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Sadroddin Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim. (1383), Description Usul al-Kafi. First print. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research.
- Sajjadi, Seyed Jafar, (1373), Islamic Education Culture. Third print. Tehran: University of Tehran Publications.
- Sajjadi, Seyed Jafar. (1361), Culture of Intellectual Science. First print. Tehran: Islamic Society of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Sharif al-Razi, Mohammad bin Hussein. (1386), Nahj al-Balagha. Corrected: Subhi Saleh. Translator: Mohammad Dashti. First print. Qom. Sabat al-Nabi Publications.